

آمد بهاران

عاشقا خیز کامد بهاران
چشمه کوچک از کوه جوشید
کل به صحرا درآمد چو آتش
رود تیره چو توفان خروشید
دشت از گل شده هفت رنگه.

آن پرندہ بی لانه سازی
بر سر شاخه ها می سراید
خار و خاشاک دارد به منقار
شاخه سبز هر لحظه زاید
بچکانی همه خرد و زیبا.

آفتاب طلائی بتابید
بر سر زاله صبحگاهی
زاله ها دانه دانه درخشد
همچو الماس و در آب ماهی
بر سر موجها زد معلق.

شکوه ها را بنه، خیز و بنگر
که چگونه زمستان سرآمد
جنگل و کوه در رستخیزاست
عالم از تیره روئی درآمد
چهره بگشاد و چون برق خندید.

توده برف بشکافت از هم
قله کوه شد یکسر ابلق
مرد چوپان درآمد ز دخمه
خنده زد شادمان و موفق
که دگر وقت سبزه چرانی است.

قسمتی از افسانه نیما یوشیج

اعلامیه مشترک حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست عراق، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در ماه مارس سال ۱۹۸۶ (اسفند ماه ۱۳۶۴)
هیات های نمایندگی حزب کمونیست ترکیه،
حزب کمونیست عراق، حزب توده ایران و
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به
سرپرستی دبیران اول خود، دیدار داشتند. در این
دیدار اوضاع منطقه بطور کلی و وضعیت هریک از
کشورها بطور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار
گرفت و با هدف تقویت مبارزه مشترک علیه
امپریالیسم، صهیونیسم و مبارزه علیه رژیم های
ارتجاعی و ضد مردمی، تبادل نظر به عمل آمد.
همچنین شعارهای مشترکی که پاسخگوی منافع و
مصلح مبارزه خلق های سه کشور است، مورد
مشورت قرار گرفت.

شرکت کنندگان در این دیدار توافق کردند
که اعلامیه زیر را منتشر کنند:

ظی هفته های اخیر به دنبال تهاجم جدید و
گسترده رژیم ایران به خاک عراق، خطر گسترش
جنگ ایران و عراق و مداخله مستقیم
امپریالیستی افزایش یافته است. کمونیست ها،
این جنگ و رژیم دیکتاتوری عراق را که این
تجاوز را با تصرف بخش های بزرگی از خاک
ایران آغاز کرد، از همان ابتدا محکوم کردند.
بقیه درص ۲

پیام نوروزی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن نوروز را به
هموطنان عزیزو به همه اعضا و هواداران حزب شادباش می
گوید و برای همه مبارزان راه آزادی، استقلال، عدالت
اجتماعی، صلح و سوسیالیسم، برای کارگران، دهقانان،
پیشه وران، کارمندان و روشنفکران و نویسندگان و
هنرمندان آزادیخواه و برای دانشجویان و دانش آموزان
مبارز، پیروزی و بهروزی آرزو می کند.

هم میهنان گرامی!

با به پایان رسیدن سال ۱۳۶۴، ورقی دیگر بر کارنامه ننگین
۲ بقیه در ص



شماره ۹۴ دوره هشتم
سال دوم ۲۹ اسفند ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

پایان موفقیت آمیز کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد
شوروی با موفقیت به کار خود پایان داد. اینک با
بررسی مجموعه تصمیم ها، نتایج و دستاوردهای این
کنگره با اطمینان می توان آن را به مثابه یک
رویداد بزرگ تاریخی ارزیابی کرد که نه تنها
برای خلق های اتحاد شوروی، بلکه برای همه
مردم جهان دارای اهمیت ویژه ای است.

اسناد مصوب کنگره بیست و هفتم بیانگر
اهداف تسریع رشد اجتماعی - اقتصادی کشور،
دستیابی به مرحله کیفی نوین رشد در اتحاد
شوروی و موید اعتقاد راسخ به برتری سوسیالیسم
به مثابه نظام اجتماعی - اقتصادی بالنده و خوش
بینی نسبت به آینده است. این خوش بینی
زائیده دستاوردهای شگرف سوسیالیسم در اتحاد
شوروی و درک عمیق وظایف جدیدی است که
روند رشد تاریخی در دستور روز قرار داده است.
بقیه در ص ۷

بمناسبت چهل و سومین سالگرد بنیانگذاری
سازمان جوانان توده ایران

۴۳ سال کار و پیکار در راه حقوق جوانان

با فرارسیدن فروردین ماه ۱۳۶۵، چهل و سه
سال از پایه گذاری سازمان جوانان توده ایران،
کهن ترین سازمان سیاسی - اجتماعی جوانان
میهن ما می گذرد. با تشکیل سازمان جوانان توده
ایران در اول فروردین ماه ۱۳۲۲، تحول عظیمی در
زندگی سیاسی و اجتماعی جوانان ایران پدید
آمد. توده ای های جوان توانستند با پیروی از
خط مشی و رهنمودهای علمی و انقلابی حزب توده
ایران سازمان جوانان پیشرو و مترقی ایران را
پدید آورده و نقش ارزنده ای در تحول فکری
جوانان میهن ایفا کنند. سازمان جوانان توده
بقیه در ص ۲

رفیق موزس موبهید در گذشت

در ص ۸

نگاهی به رویدادهای کشور در سال ۶۴

سالی دیگر در رنج و محنت سپری شد. ادامه
جنگ بی حاصل و خانمانسوز، گسترش هرچه
بیشتر فقر و بیکاری، سیر صعودی قیمت ها، تورم
سراسر آور، غارتگری بی سابقه صاحبان ثروت،
تشدید ترور و اختناق، سلب ابتدایی ترین
آزادیهای فردی و اجتماعی و نیز تشدید
ورشکستگی مالی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و
ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی، از ویژگی
های سال ۱۳۶۴ است.

تحلیل و بررسی رویدادهای عمده و نیز وضع
اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور در سال هفتم
انقلاب، برای درک ژرفای بحرانی که رژیم
" ولایت فقیه " در کلیه عرصه ها با آن
روبرو است، ضرورت دارد.

فقدان ثبات

هفت سال پس از انقلاب، رژیم نتوانسته است
تقویت شود. مبارزه در بطن جامعه و اختلاف ها
در راس هرم حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" را فلج
کرده است. گردانندگان اهرم های حکومتی جز
پرداختن به امور روزمره، قادر به کاری نیستند.
هفت سال پس از انقلاب، رژیم نتوانسته است
هیچ یک از مسایل حاد اقتصادی و اجتماعی کشور
را حل کند. سیاست رژیم در زمینه احیاء و تحکیم
شالوده های سرمایه داری وابسته و گرایش آن به
امپریالیسم، که با مصالح ملی و منافع اکثریت
اهالی کشور ما در تضاد آشکار است، هرچه بیشتر
با مخالفت توده های زحمتکش روبرو می شود و
کشور را در بحران عمیق فرو می برد.

عدم ثبات رژیم، موضوعی نیست که فقط ما
مطرح کنیم. نظری گذرا به گفته ها و نوشته های
دست اندرکاران ج.ا. این حقیقت را به عیان
نشان می دهد.

روزنامه " اطلاعات " در مقاله " سیاست کام
به کام " اعتراف می کند که طرز فکر و دیدگاهی
بقیه در ص ۴

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

پیام نوروزی ***

و جنایت بار رژیم ج.ا. افزوده شد. سال ۶۴، سالی بود بحران زلزله، اختناق آمیز، پردرد و رنج و محرومیت، فقرزا و بیکاری افزا که بهاری حزن انگیزتر در پی داشت؛ در آستانه سال نو، با شعله ورتشدن جنم جنگ، دیگر بار هزاران تن از جوانان و نوجوانان میهن ما، یعنی گل های سرسید خانواده ها، به کام عفريت مرگ فرورفتند و قربانی سیاست ضد خلقی سران رژیم شدند. از آغاز جنگ امپریالیسم برافروخته تا کنون، شمار کشته شدگان، معلولان و آوارگان جنگی سر به میلیونها نفر می زند. ده ها شهر و صدها روستا کاملا ویران شده، مراکز تولیدی بسیار مهمی از بین رفته و تنها در کشور ما صدها میلیارد دلار زیان مادی وارد شده است. جنگ ایران و عراق، که ادامه آن تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع است، نه تنها مذهب است خصلت میهنی و عادلانه خود را از دست داده بلکه به وسیله ای برای ارضاء خواست های توسعه طلبانه سران رژیم "ولایت فقیه" تبدیل شده است. جنگ ایران و عراق همچنین یکی از عوامل عمده تعیین بحران فراگیر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تشدید فقر، گرانی، بیکاری، آوارگی و بی خانمانی در کشور ما بشمار می رود.

در سالی که گذشت سیاست ترور و اختناق رژیم شدت و حدت بیشتری یافت. گروهی از مبارزین راه آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی بدست جوخه های اعدام سپرده شدند، گروهی دیگر زیر شکنجه و یاد نتیجه شکنجه های بربرمنشانه رژیم به قتل رسیدند و زندان های ایران انباشته از کارگران، دهقانان، روشنفکران و دانشجویان عضو سازمان های مترقی، انقلابی و دمکراتیک شد. در شرایط کنونی وضع زندانیان سیاسی طاقت فرسا است و

۴۳ سال کار و پیکار در راه ***

بغیه از ص ۱

ایران در سال های فعالیت انقلابی خود تا انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، نقش موثری در پیشبرد مبارزه جوانان و دانشجویان میهنان علیه امپریالیسم و ارتجاع اجرا کرد.

مبارزه در راه افشای چهره کربه فاشیسم میترلی، پشتیبانی از جنبش های ملی آذربایجان و کردستان و شناساندن آنها، شرکت در جنبش ملی شدن صنعت نفت، پیکار علیه کودتای ارتجاعی ۲۸ مرداد ۲۲ و سازماندهی مبارزه دانشجویی و کارگری از جمله برگ های درخشان تاریخچه کار و پیکار سازمان بشمار می آید. افزون بر اینها، بجاست از مبارزه سازمان جوانان توده ایران در راه دستیابی جوانان و دانشجویان به حقوق صنفی خود، از طریق بنیانگذاری سازمان های صنفی فعالی چون "سازمان دانشجویان تهران"، "سازمان دانش آموزان ایران"، و "کانون جوانان دمکرات ایران" یاد کنیم. در طول سال های پیش از انقلاب، سازمان

رژیم هزاران انسان را در فراموشخانه هایی به نام زندان آگاهانه به مرگ تدریجی محکوم کرده و هزاران خانواده را بی سرپرست گذارده است. در سالی که گذشت، مبارزه توده ها نیز اوج گرفت. اعتصاب های متعدد کارگران، تظاهرات دهقانان علیه سیادت مجدد بزرگ مالکان، اعتراض های موضعی مردم علیه جنگ بویژه، پس از آغاز بیماریان شهرها، اعتراض علیه بیکاری، گرانی، تورم، جلوه هایی از این واقعیت هستند. در این سال هر چند مبارزه مردم از جانب رژیم با سربیزه و گلوله پاسخ داده شده، توده ها شناخت ژرف تری از ماهیت سیاست ضد خلقی رژیم در عرصه های داخلی و خارجی بدست آوردند و برسقامت خود افزودند.

در سالی که گذشت، با وجود این که لبه تیز حملات دشمنان داخلی و خارجی متوجه حزب توده ایران بود، حزب ما دوشادوش هم میهنان در مبارزه علیه رژیم خودکامه قرون وسطایی جمهوری اسلامی شرکت داشت. حزب ما در آینده نیز همراه با توده ها به این مبارزه مقدس ادامه خواهد داد.

هم میهنان عزیز!

توسل رژیم به حربه شناخته شده ترور و اختناق، نشانه قدرت نیست، بلکه بیانگر ضعف و ترس آن از نیروی خلق است. سران جمهوری اسلامی که بر موج نفرت فراگیر خلق علیه رژیم منفور شاه، به حاکمیت رسیدند و امروز با عدول از آماج های مردمی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ به ضد انقلاب تبدیل شده اند، به خوبی قدرت لایزال توده ها را می شناسند و می دانند که نیروهای خلق در صورت متشکل شدن به چنان سیل خروشان تبدیل خواهند شد که ریشه نظام ضد خلقی جمهوری اسلامی را از بیخ و بن برخواهند انداخت.

پراقتخار جوانان توده ایران موفق گردید گروهی از بهترین جوانان میهنان را در دامان خود پرورش و قهرمانانی چون محمود کوچک شوشتری، وارطان سالاخانیان، جهانگیر باغدانیان، حسین حریری، آرامانیس، محمد تقی محبت خواه، هوشنگ پوررضوانی، شریعت رضوی، بسزرگ نیا و صدها قهرمان با نام و گمنام دیگر را به جنبش انقلابی میهنان تقدیم کند. جوانان توده ای پیگیر و پرشور، در تمامی عرصه ها علیه رژیم دیکتاتوری شاه و اربابان امپریالیستی آن پیکار کرده و در دوره رشد و پیروزی جنبش انقلابی کشور در سال های ۵۶ و ۵۷ با شرکت در جنبش و سازماندهی اعتصابات و اعتراضهای دانشجویی و کارگری، و شرکت در سنگرهای قیام مسلحانه برای سرنگونی رژیم شاه شایستگی خود را بار دیگر به ثبوت رساندند.

با پیروزی انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی بهمن ۵۷، فصل جدیدی در مبارزات مردم میهنان گشوده شد. سازمان جوانان توده ایران پس از مدت کوتاهی به سازمان وسیع جوانان مترقی و پیشروی ایران بدل گردید و در تمامی سنگرها، در کنار سایر

هم میهنان، مادران و پدران، برادران و خواهران!

بیباید سال نو را به سال اتحاد و یگانگی، به سال همبستگی و همکاری، به سال بسیج نیروها در راه پایان دادن به عمر منحوس رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. در هر جا که هستید، در کارخانه و مزرعه، در اداره و نهاد، در ارتش و بسیج، در دانشگاه و مدرسه، در همه جا مردم را به ایستادگی و مبارزه دعوت کنید، از فرستادن فرزندان و برادران خود به جبهه های جنگ خودداری کنید، اجازه ندهید رژیم برای تأمین هزینه جنگ از شما باجگیری کند، با کم کاری، با سازمان دادن اعتراض ها در محله های گوناگون، با سازماندهی اعتصاب ها در کارخانه ها و تظاهرات، و کوشش در راه پیوند دادن موج اعتراض توده ها به یکدیگر، به مقابله یکپارچه و متحد با رژیم برخیزید. باید کلیه عرصه ها، از کارخانه گرفته تا دانشگاه ها، مدارس، اداره ها، نهادها و غیره را به میدان مبارزه علیه بیدادگری های رژیم تبدیل کرد. فقط در این صورت است که می توان نیروهای سرکوبگر رژیم را فلج ساخت و مبارزه را تا مرحله سرنگون کردن رژیم و استقرار یک حکومت ملی و دمکراتیک ادامه داد.

بدون مبارزه، پایان دادن به رژیم ترور و اختناق میسر نیست. مبارزه وقتی می تواند به پیروزی منتهی شود که در صف متحدی ادامه یابد. بیباید سال جدید را به سال اتحاد و مبارزه تبدیل کنیم.

درد به روان پاک شهدای راه صلح و آزادی!
درد بر زندانیان سیاسی!

فرزان تریاد آتش مبارزه خلق علیه رژیم ضد خلقی "ولایت فقیه"!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۶۴ اسفندماه

نیروهای مترقی و پیشرو، به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن پرداخت.

در سال های نخست انقلاب جوانان توده ای در راه حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب، دفاع از آزادیها و حقوق دمکراتیک، پیکار در راه دستیابی به حقوق صنفی دانشجویان و دانش آموزان، مبارزه برای تصویب قانون کار مترقی، مبارزه با بیسوادی، و نیز علیه تعرض نیروهای ارتجاعی به حقوق صنفی - سیاسی جوانان، به ویژه علیه سیاست ضد فرهنگی "انقلاب فرهنگی" با تمام توان و ظرفیت خود کوشیدند. سازمان جوانان توده ایران همچنین در راه افشاندن بذر اندیشه های انقلابی و پیکارجویانه در میان جوانان و نوجوانان میهن، تشکیل تعاونی های محلی، کمک رسانیدن به روستائیان، شرکت در توزیع مواد غذایی کمیاب و بالاخره بیرون راندن متجاوز از خاک میهن نقش برجسته ای ایفا کرد. نشریات و کتاب های منشره از سوی سازمان جوانان در تصحیح دیدگاه های ایدئولوژیک بسیاری از جوانان و آشنا کردن آنها با مارکسیسم - لنینیسم و جنبش کارگری و کمونیستی جهان و میهنان نقش ارزنده ای بقیه در ص ۲

۴۳ سال کار و پیکار در راه ***

بقیه از ص ۲

ایفا کردند. سازمان جوانان توده ایران بخاطر پیکار پرشور خود در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح همچون حزب توده ایران مورد کینه و نفرت ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفت. حکام مرتجع جمهوری اسلامی که با عدول از آماج های ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب تداوم بقای خود را در تربیت نسلی سرخورده، منفعل، بیگانه با علم و فرهنگ و اسیر اندیشه های خرافی و قرون وسطایی می دیدند، نمی توانستند سازمان پیشرو و انقلابی جوانان میهن ما را تحمل کنند.

در یورش وحشیانه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی علیه حزب توده ایران، سازمان ما نیز آماج حمله قرار گرفت و گروهی از رهبران، صدها تن از کادرها و فعالان سازمان دستگیر و رهسپار شکنجه گاهای دهشتناک رژیم شدند. ولی بذر اندیشه هایی که حزب توده ایران و فرزند خلف آن سازمان جوانان توده ایران در طی سالهای کوتاه فعالیت علنی و نیمه علنی خود افشاندند، به ثمر نشست و از جمله گروه بزرگی از جوانان کشور را به مبارزه کشاند و رژیم علیرغم تلاش های خود نتوانست آن را از بین ببرد.

دیری نپایید که جوانان توده ای در کنار حزب قهرمان خود دیگر بار پرچم مبارزه را برافراشتند و همراه با سایر نیروهای مرفقی و انقلابی، به سازماندهی مبارزه جوانان میهن علیه رژیم قرون وسطایی حاکم پرداختند.

اکتون، در شرایطی سازمان ما چهل و سومین سالگرد بنیانگذاری خود را جشن می گیرد که بحران ژرفی سراپای جامعه را فرا گرفته است. رژیم جنایتکار ج.ا. برای ادامه حیات ننکین خود ترور و اختناق را تشدید کرده و با ادامه جنگ ایران و عراق، گام برداشتن در راه بازسازی و احیای مواضع سرمایه داری وابسته و زیر پا گذاردن تمامی آزادی ها و حقوق دمکراتیک به سد عمده تکامل جامعه بدل گردیده است.

جوانان میهن ما همچون گذشته می توانند وظیفه مهمی را در پیروزی رساندن جنبش خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، این سد عمده تکامل جامعه، به عهده بگیرند. نگاهی گذرا به مبارزه اقشار مختلف مردم در یک سال گذشته، اعتصاب های متعدد کارگری، تظاهرات ضد جنگ در شهرهای مهم کشور و برخورد دانشجویان و دانش آموزان با نهادهای سرکوبگر در دفاع از حقوق خود و علیه جنگ خانمان سوز ایران و عراق، همه و همه نشانگر آنند که زمینه های عینی برای سازماندهی مبارزه وسیع علیه ارتجاع حاکم و سرنگونی آن، وجود دارد.

رفقا، جوانان، دانشجویان و دانش آموزان انقلابی!

رژیم جنایتکار می کوشد تا صفوف ما را پراکنده و پیکارمان را بی اثر سازد. تنها پاسخ دندان شکن به این ترغندهای ارتجاع، تلاش در راه تشکیل جبهه متحد خلق است. باید با

اعلامیه مشترک * * *

بقیه از ص ۱

کمونیست ها، با الهام از سیاست انترناسیونالیستی و برپایه منافع ملی خود خواهان قطع فوری جنگ و حل اختلاف ما بر مبنای صلح دمکراتیک و عادلانه بوده، مبارزه در راه تحقق این خواست را وظیفه مبرم خود می شمارند. ما تاکید می کنیم که ادامه و گسترش این جنگ با منافع دو کشور و دو خلق ایران و عراق متضاد است و در خدمت تحقق مقاصد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع قرار دارد و خطر مداخله این نیروها را در امور داخلی تمامی کشورهای منطقه، به بهانه حراست از " منافع حیاتی " شان، افزایش می دهد.

تلاش رژیم ایران در تداوم بخشیدن به جنگ، بر گرایش های توسعه طلبانه استوار است. این کوشش متوجه آن است که نمونه رژیم حاکم در ایران را به خلق عراق تحمیل کند، در حالی که همه نیروها و احزاب میهن پرست عراق با استفاده از اشکال مختلف مبارزه از جمله مبارزه مسلحانه به مثابه شیوه عمده، بخاطر آترنیاتیو دمکراتیک مبارزه می کنند. خلق های عراق و ایران نظام حکومتی کشورشان را آزادانه و متناسب با خواست و منافع خود و نیز بر اساس حق حاکمیت و استقلال هر دو کشور تعیین خواهند کرد. ما تاکید می کنیم، ادامه جنگ که منجر به کشته، مجروح و معلول شدن صدها هزار نفر شده است، آسیب عظیمی به اقتصاد و منابع هر دو کشور ایران و عراق وارد کرده و به رژیم های

استفاده از تمامی امکان های مبارزه علنی و تلفیق آنها با مبارزه مخفی، صفوف خود را متشکل و منسجم کرده و با پیوند زدن مبارزه جوانان با جنبش عمومی خلق علیه جنگ و اختناق، عرصه را بر ارتجاع حاکم تنگ کنیم.

مبارزه جوانان دانشجو علیه " آئین نامه انضباطی " دانشگاه ها و علیه تخلیه خوابگاه های دانشجویان، برخوردهای متعدد موضعی با مسئولان و نهادهای رژیم، جنبش دانش آموزی، مبارزه پرشور کارگران جوان در واحدهای مختلف کارگری و نیز تلاش جوانان روستایی برای دستیابی به حقوق واقعی خود در سال گذشته نوید دهنده گسترش جنبش روبه رشد جوانان میهن در راه سرنگونی رژیم حاکم است.

ما اطمینان داریم که خروش متحد خلق علیه ارتجاعیون حاکم دیر یا زود بساط ننکین رژیم جمهوری اسلامی را درهم خواهد پیچید. در این راه، جوانان توده ای با اتکا و الهام گیری از سنن و رهنمودهای انقلابی حزب توده ایران از هیچ تلاش و فداکاری دریغ نخواهند ورزید.

پیروز باد رزم مشترک جوانان ایران علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی!

تابناک باد خاطره جاودان شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

سلام بر زندانیان سیاسی!

سازمان جوانان توده ایران

اسفندماه ۱۳۶۴

حاکم

هر دو کشور امکان داده است تا سیاست ترور و نابودی فیزیکی علیه همه نیروها و احزاب دمکراتیک و همچنین اقدام های ضد کمونیستی خود را تشدید کنند. این سیاست در درجه اول به زندگی زحمتکشان ضربه زده، همه جوانب اجتماعی را مختل کرده و به اشاعه فقر، بیکاری و جنایت منجر گردیده است.

با استفاده از جنگ ایران و عراق، رژیم دیکتاتوری، فاشیستی - میلتراریستی ترکیه ترور خونین علیه نیروها و احزاب ترقی خواه کشور را تشدید کرد.

رژیم فاشیستی حاکم بر ترکیه تحت فشار محافل " ناتو " که در ادامه جنگ ذینفع هستند، گرایش های میلتراریستی و جنگ طلبانه هر دو طرف را تقویت می کند. این رژیم با استفاده از ویژگی وضعیت جغرافیایی خود نقش دلال مرگ را به عهده گرفته است.

کمونیست های هر سه کشور پیکرانه علیه

دیکتاتوری و استبداد مبارزه می کنند و خود مورد سخت ترین و خونین ترین شکنجه، سرکوب و پیگرد قرار دارند.

با ادامه مبارزه انقلابی در این شرایط سخت و

بفرنج، کمونیست ها بر ضرورت مبارزه بخاطر

اتحاد همه احزاب و نیروهای ملی، مترقی و

دمکراتیک وحدت نظر دارند. آنها مینا را بر این

قرار می دهند که اتحاد ابزار موثر تامین هدف

های مشترک و استقرار رژیم دمکراتیک است.

ما برآنیم که جنبش ملی کرد، متحد مهم جنبش

کمونیستی و کارگری در سه کشور بشمار می آید.

مناسبات رزمندگان جنبش ملی کرد با احزاب

ماکسترس می یابد. در میان وسیعترین اقشار

توده ای خلق کرد شالوده این اعتقاد که حقوق آنها

در چارچوب دستیابی به آماج های جنبش ملی،

مترقی و دمکراتیک در کشور تامین می شود،

تحکیم می گردد. کمونیست ها مدافعان سرسخت

حقوق ملی توده های خلق کرد هستند. مبارزه

برای دستیابی به این حقوق را نمی شود از مبارزه

علیه دیکتاتوری برای استقرار رژیم دمکراتیک،

تفکیک کرد.

ما معتقدیم که تحکیم مناسبات برادرانه میان

ما، سهم خود را در تقویت و همبستگی با مبارزه

هریک از ما ادا کرده، مناسباتمان را با احزاب

کمونیستی و کارگری کشورهای منطقه، با

نیروهای جنبش رهایی بخش خلق های عرب و

مبارزه آنها علیه امپریالیسم و صهیونیسم و

بخاطر آزادی مناطق اشغالی عربی و ایجاد امکان

برای خلق عرب فلسطین به خاطر بازگشت به

میهن و دستیابی به حق تعیین سرنوشت و ایجاد

کشور مستقل فلسطینی، تحکیم می کند.

ما ضمن داشتن وحدت نظر حول مسائلی که در

برابرمات قرار دارد، مبارزه مشترک خود را در

راه خواست های زیر به پیش می بریم:

- قطع فوری جنگ ایران و عراق برپایه راه

حل عادلانه و دمکراتیک؛

بقیه در ص ۸

نگاهی به رویدادهای ***

که از بازگشت سرمایه داران و بازپس دادن اموال مصادره شده به آنان طرفداری و حمایت می کند، واقعیتی است که انکارناپذیر. سرمایه داران و وابستگان و همپیوندان آنها و افرادی که زیر پوشش "فقه" و "احکام شرع" از سرمایه داران حمایت می کنند، حاملان این طرز تفکر و دیدگاه هستند. به اصطلاح غلتیدن "به دام کمونیسم و سوسیالیسم" و "اندیشه های الحادی" و امثال آن پوششی برای توجیه سیاست حکمروایی صاحبان سرمایه است.

نویسنده "اطلاعات" در تشریح بی ثباتی رژیم، البته بدون اینکه به این واقعیت اشاره کند، مسایلی را مطرح می سازد که گویای نابسامانی حاکم بر جامعه است. وی می نویسد: "... و انقلاب ما از این حیث شاهد جریانات و رویدادهای عجیب و جالبی بوده است. زمانی در همین کشور، بند "ج" در قانون اصلاحات ارضی و قانون صنایع، تصویب شده و به اجرا گذاشته می شود و هزار و یک دلیل شرعی و فقهی هم همراه دارد و فقها از آن سخن می گویند، اما زمانی دیگر کار به جایی می رسد که هر که از این "بندهای قاچاق" حرفی می زند "توده ای" خوانده می شود."

سرمقاله نویس "اطلاعات" نتیجه می گیرد که "این حاکی از عقب نشینی های کام به کام است... دولت موقت را به خاطر سیاست کام به کام مجازات کردیم، اما حالا بعضی از خود ما همان سیاست را در پیش گرفته ایم و البته نه بطرف جلو، بلکه به طرف عقب! یعنی همان عقب نشینی های کام به کام!"

ژرفای بحران وقتی بیش از پیش آشکار می شود که این روزنامه می نویسد: "یکروز گفتیم، چرا زمین ها و کارخانه ها را می گیرید، چرا همه چیز را به دست دولت می سپارید؟ گفتند: چه کنیم؟ گفتیم: کارخانه ها را به صاحبانش بدهید، زمین را به زمیندارانش، سرمایه را به سرمایه دارش، بعد از آنها مالیات بگیری. گفتند، بسیار خوب اما بعد، تا زمان تدریجاً گذشت و موقع طرح مسئله مالیات رسید، چونان عوض شده بود که از مالیات هم دیگر نمی شد حرف زد و "این موضوع هم به صورت یک موضوع شبه سوسیالیستی درآمد بود". جوسازیها کار را به آنجا رساند که کم کم واژه تعاونی هم "یک طرح سوسیالیستی قلمداد شد و دیگر جگر شیر می خواست که کسی از آن دفاع کند."

مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی در تایید اظهارات دادستان کل کشور بی پرده اعتراف می کند: در کشور مشخص نشده است که "ما در حرکت اقتصادی به کدام سمت می خواهیم حرکت بکنیم. می بینیم قوانینی که موضوع اقتصادی دارند در مجلس با تنشهایی مواجه می شوند". هم او می گوید که قوانین موجود "در مسیر حمایت از طاغوت و افکار طاغوتی بوده است" و این قوانین هنوز هم جاری است.

هاشمی رفسنجانی، رئیس قوه قانونگذاری نیز در مصاحبه ۲۰ بهمن ماه خود بدون ذره ای شرم

می گوید: "ما بعد از پیروزی، قوانین دوره گذشته را لغو نکردیم. این قوانین به اعتبار خود باقی است." چرا و به چه علت قوانینی که میلیونها ایرانی علیه آنها مبارزه کردند و قربانی دادند، هفت سال پس از انقلاب به قوت خود باقی است؟ هاشمی رفسنجانی می خواهد چنین وانمود سازد که، "دوران فطرت و انتقال از آن شرایط طاغوتی به شرایط اسلامی این مسائل را دارد". ولی واقعیت آن است که مبارزه جناح های گوناگون در حاکمیت سرمنشاء عدم ثبات رژیم است. این که هاشمی رفسنجانی می گوید "هنوز تکلیف مالکیت روشن نیست"، به معنی آن است که وی دانسته و یا ندانسته به عدم ثبات رژیم اعتراف می کند. همچنین "اطلاعات" در تحلیل خود، از برداشت های متفاوتی از "فقه" سخن می آورد و در این چارچوب، حاکمیت ج.ا. را در "دو جناح کاملاً مشخص" دسته بندی و بی ثباتی رژیم را بازگو می کند. رضوی نماینده مجلس از عناصر تشکیل دهنده جناحی سخن می گوید که: "خود گفتند و خود شنیدند و خود تایید کردند و خود احسنت گفتند و چوسازی رفاه طلبان و دنیاداران مقدس مآب هم زمینه را فراهم می کرد... و در نتیجه به یک باور صد در صد رسیدند که "بلی! حتماً باید یک تغییر اساسی در برنامه های دولت، برای چرخش پراست (ببین) به وجود آید". این نماینده اعتراف می کند که دشمن توانست "فترتی در پیش و تفکر سیستمی ما ایجاد نماید".

"کیهان" فاجعه ای را که حکام ج.ا. به کشور ما تحمیل کرده اند، ناشی از وجود "جریان های سیاسی" می داند و بر آن است که هنوز هم در "سیستم مالکیت و توزیع" معیار مشخصی وجود ندارد و در غالب موارد "حاکمان انقلاب" برنامه مدون و مشخص ندارند و در مسایل مقطعی و روزمره سردرگم هستند و از "برخورد زیربنائی با آن غفلت می ورزند". با گذشت زمان "بهره-وران از شرایط موجود (بخوان نمایندگان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان) جایهای محکمتری را باز می کنند، کلیدهای نفوذی انقلاب را می یابند و در آن صورت است که... همان "نسل گذشته به حکمرانی مرئی و نامرئی ادامه خواهد داد".

ما بارها گفته و باز تکرار می کنیم که صرف نظر از انگیزه این یا آن جناح، حکام ج.ا. در مجموع خود با عدول از آماج های مردمی انقلاب بزرگترین خیانت را به منافع زحمتکش کرده اند. کارسواپی رژیم بجایی رسیده که حتی نشریه "حوزه" صریحاً می نویسد که، تبعیت از "سیاست موج" استراتژی ما شده است. انقلاب را به "جوپذیری و موج آفرینی" کشانده ایم. هر چند گاهی در داخل جوی آفریده شود، میاهویی برپا گردد! شعارها و نطق ها جهت خاصی را بیابند و پس از مدت کوتاهی شعاری دیگر و جوی دیگر...

این سیاست، سیمای ضد خلقی سران ج.ا. را هر چه بیشتر افشا می کند و بیانگ. عدم ثبات رژیم ج.ا. است. علت رویگردانی و نفرت

فزاینده توده های مردم از رژیم نیز از این "سیاست موج" نشات می گیرد.

ورشکست مالی و اقتصادی

در واقع نیز رژیم با ورشکستگی مالی و اقتصادی روبرو است و هیچگاه قادر به حل آن نخواهد شد. وقتی بهزاد نبوی به عنوان وزیر صنایع سنگین می گوید، صنایع کشور در مجموع وابسته و "در عین حال ناقص، غیرمردن و تا حدودی مستهلک شده" است و رژیم قادر نشده که "در زمینه رشد و توسعه صنعتی... گامهای اساسی و جدیدی بردارد و آنچه که ما داریم و باقی مانده از دوران پیش از انقلاب به ثمر رسیده"، به قول معروف: تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. هم او اعتراف می کند که صنایع کشور ضمن وابستگی به انحصارات بزرگ صنعتی - امپریالیستی "خودکفا و خود اتکا" نیست و برای هر بخش نیاز به خارج دارد.

اقتصاد کشاورزی در نتیجه سیاست ضد خلقی رژیم با بحران عمیقی روبرو است. خودداری از اصلاحات ارضی به سود دهقانان بی زمین و کم زمین، سبب رانده شدن میلیونها دهقان از هستی ساقط شده به شهرهای بزرگ و پیوستن آنها به خیل عظیم بیکاران شده است.

رژیم ج.ا. برای به گردش درآوردن چرخ تولید صنایع مونتاژ و نیز تغذیه مردم، سالانه حداقل به ۱۰ میلیارد دلار ارز خارجی برای وارد کردن مواد خام، نیم ساخته، قطعات و لوازم یدکی و محصولات کشاورزی نیاز دارد. افزون بر این، هیئت حاکمه ملزم به پرداخت سالیانه میلیاردها دلار برای خرید کالاهای صنعتی با دوام و بی دوام مورد نیاز ۴۴ میلیون ایرانی است.

ارز مورد نیاز رژیم فقط از طریق صادرات کالا می تواند تامین گردد. صادرات غیرنفتی ایران در سال از ۲۵۰ میلیون دلار تجاوز نمی کند. ۸ درصد کل صادرات کشور را نفت خام تشکیل می دهد. بدین سان هفت سال پس از انقلاب، خصلت تک محصولی اقتصاد ایران که میراث نواستعماری است، حفظ شده است. می توان گفت که وابستگی اقتصادی ایران دارای ویژگی خاص است: از سویی وابستگی به مواد خام و قطعات و لوازم یدکی و محصولات کشاورزی، و از سوی دیگر وابستگی به درآمد نفت و مالا نوسان های عرضه و تقاضا و قیمت در بازار جهانی نفت و نیز نوسان قیمت دلار به مثابه ارز دریافتی در مقابل فروش نفت.

روزنامه "کیهان" در شماره ۲۸ آبان خود در نقدی بر "لایحه شیوه و حدود بخش تولیدی خصوصی" که هدف از آن واگذاری سرنوشت میلیون ها ایرانی به دست مشتکی صاحبان سیم و زر است، نوشت:

"پس از پیروزی انقلاب تلاش برخی نیروها بطور آگاه و نا آگاه برای تحمیل یک انحراف از مسیر اهداف مردمی بر انقلاب تاکنون تداوم داشته و به صورت گسترش روابط سیاسی و حجم مبادلات اقتصادی با کشورهای امپریالیستی و اذنان آنها (آلمان غربی، ژاپن، انگلستان و

نگاهی به رویدادها ***

ترکیه و پاکستان (۰۰۰) و تحکیم و تثبیت شیوه ها و الگوهای نظام سرمایه داری در فعالیت های اقتصادی، طرد و حذف نیروهای انقلابی و اصولی ... بی توجهی و بی اعتنائی به حقوق حقه و پایمال شده محرومین و مستضعفین، استرداد اموال مردم و بیت المال به مزدوران امپریالیسم آمریکا و خود را نمایانده است. تداوم این سیر انحرافی بی تردید نمی تواند روند آرام و تدریجی خود را برای همیشه حفظ کند و نیازمند "تثبیت" و "نهاده" شدن و ورود به مراحل و "سرفصل های" مشخص است تا با یک تهاجم یک مرحله از پیشروی را پشت سرگذارد و سیادت و قدرت بیشتری را کسب کند."

چه کسانی در پایمال شدن حقوق حقه محرومین و وابسته ساختن ایران به امپریالیسم و اعمال آن مقتصرد؟ گردانندگان رژیم و در راس آنها خبیثی. به این اظهارات خبیثی توجه کنید: "آنچه بارها گفته ام این است که همه شما باید پشتیبان یکدیگر باشید. دولت پشتیبان بازار و بازار هم پشتیبان دولت... من شما را می شناسم (بازاریان را) و شما افراد خوب و سالمی هستید... انشأ الله مشکلاتتان حل می شود". حل مشکلات بازاریان و یا بدیگر سخن کلان سرمایه داران، معنایی جز پایمال شدن حقوق زحمتکشان و تعمیق هرچه بیشتر وابستگی ایران به جهان غرب نداشته و ندارد.

۲۰ بهمن ماه، هاشمی رفسنجانی در مصاحبه رادیو تلویزیونی در پاسخ به خبرنگار رویتر گفت: "در مورد آمریکا بارها گفته ام ما قسم نخورده ایم که تا قیامت رابطه مان با آمریکا قطع باشد". بدینسان رئیس مجلس شورای اسلامی در باغ سبز را به آمریکا نشان داد و شرایط علنی شدن ارتباط های پنهانی با امپریالیسم آمریکا را فراهم ساخت. شرطی که وی برای احیاء مواضع از دست رفته امپریالیسم در ایران مطرح ساخت این بود که "توقعات زیادی و استعمارگریشان را کنار بگذارند". به دیگر سخن هاشمی رفسنجانی آمادگی ج.ا. را در تن در دادن به توقعات نه بسیار زیاد آمریکا اعلام داشت.

صاحبان ثروت بیکران، به عنوان پایگاه امپریالیسم در ایران، بزرگترین عامل فقر و بیکاری و گرانی و تورم در مین ما هستند. تصادفی نیست که حتی یکی از نمایندگان مجلس می گوید: "... امروز بخش خصوصی با این سرمایه عظیم به صورت یک قدرت سیاسی در همه جا سنگینی می کند."

نماینده دیگری منبع درآمد صاحبان قدرت را فاش می سازد و می گوید سال گذشته ۲۰۰ میلیون دلار تومان را دادیم اما خوردند، هزینه جاری و عمرانی رفت تو شکم گردن کلفت ها و الان نیازهای عمومی این کشور "عبارت شده از آسفالت برای "بنز" سوارها شده، پلیس برای حفاظت میلیاردها، شده ژاندارمری برای حفاظت رفاه طلب ها."

به نوشته مطبوعات مجاز در مقابل مشتی صاحبان ثروت، ۲۲ میلیون شهروشین داریم که ۱۷ میلیون آنها کارگر و کارمند و خانواده هایشان هستند که حقوق متوسط آنها ۴ هزار تومان است و اینها چهار سال نرخ تورم ۲۲ درصد را تحمل کرده اند.

چندی پیش یکی از وزرا ج.ا. گفت، اگر پول نفت نباشد، ارزی نیست که ما جنسی وارد کنیم و از آن سود بازرگانی بگیریم. مالیات بر تجارت و مشاغل آزاد هم باز متکی به نفت است. بر این گفته باید اضافه کرد که اگر درآمد نفت نباشد، تمام کارخانه ها از کار باز خواهند ماند و رژیم حتی قادر به تامین غذای بنخور و نمیر میلیونها ایرانی نیز نخواهد شد.

این یکی از مشکلات عظیمی است که هم اکنون رژیم ج.ا. با آن روبروست. می گویند ارقام آئینه ای است که می توان در آن وضع موجود و آینده کشور را به عیان مشاهده کرد. برای نشان دادن ژرفای ورشکستگی رژیم، به ارقام رسمی مراجعه کنیم:

سال	درآمد مصوب	درآمد واقعی	کسری بودجه از نفت
۱۳۶۲	۱۹۹/۶	۱۵۸/۵	۴۱/۱
۱۳۶۳	۱۸۰	۱۲۸/۲	۵۱/۸
۱۳۶۴	۱۸۶/۷	۱۱۵	۷۱/۷

(ارقام به میلیارد تومان)

چنانکه ملاحظه می شود، در سه سال مورد بحث، کسری بودجه که باید از طریق درآمد نفت تامین می شد، ۱۶۴٫۶ میلیارد تومان بود که از طریق استقرار از سیستم بانکی، یعنی چاپ اسکناس بی پشتوانه "تامین" گردیده است. در بودجه سال ۱۳۶۵، کمیسیون بودجه مجلس درآمدی در حدود ۱۴۱ میلیارد دلار از طریق فروش نفت در نظر گرفته است. این در صورتی است که دولت بتواند روزانه حدود ۲٫۶ میلیون بشکه از قرار بشکه ای ۲۰ دلار بفروشد. همه می دانند که از فوریه سال ۱۹۸۶ میلادی بهای هر بشکه نفت به ۱۷ و سپس به ۱۵ دلار تقلیل یافته و به احتمال قوی در آینده از این هم کمتر خواهد شد. از سوی دیگر در بهمن ماه سال ۶۴ میانگین صدور نفت از یک میلیون بشکه تجاوز نکرد. اگر کاهش ارزش دلار را نیز در نظر بگیریم، در آن صورت معضل غیرقابل حلی که رژیم با آن روبرو است، بیش از پیش برجسته خواهد شد.

در این که در سال آینده درآمد نفت حتی کمتر از نصف درآمد در نظر گرفته شده در بودجه سال ۶۵ خواهد شد، تردیدی نیست. اول اسفندماه ۶۴ روزنامه "جمهوری اسلامی" نوشت: "اقتصاد کشور از دیدگاه کوتاه مدت نیز با مشکلات عمده اقتصادی مواجه بوده و هست، از جمله این مشکلات می توان از رکود تولید، قلت سرمایه گذاری تولیدی و وجود حجم وسیع نقدینگی غیرمولد یاد کرد". تازه این "مشکلات" زاییده زمانی بود که رژیم از محل فروش نفت سالانه حدود ۱۷ تا ۲۰ میلیارد دلار درآمد داشت. در سال

جاری وضع چگونه خواهد بود؟ بدون تردید، کاهش قیمت نفت همراه با سیستم مالیاتی به سود کلان سرمایه داران، رژیم را دچار بحران عمیق مالی خواهد کرد.

میزان درآمدهای مالیاتی کشور نسبت به تولید ناخالص ملی از ۵٫۸ درصد تجاوز نمی کند، و این در حالی است که در دیگر کشورها این رقم به ۱۵ تا ۲۰ درصد می رسد. بخش اعظم درآمدهای مالیاتی از حقوق کارمندان و کارگران تامین می شود و سهم کلان سرمایه داران در کل درآمد مالیاتی اندک است. مثلا در سال ۱۳۶۳ نسبت میزان مالیات حقوق بگیران به کل مالیات های دریافتی ۱۸ درصد بود، اما در همین سال نسبت مالیات مشاغل آزاد به کل مالیات ها از ۵٫۷ درصد تجاوز نکرد.

مالیات بر مشاغل آزاد

سال	مالیات مشاغل مصوب	عملکرد	کسری
۱۳۶۲	۲/۲	۲/۲	۱/۱
۱۳۶۳	۲/۰	۲/۴	۰/۶
۱۳۶۴	۱۵/۱	۲/۷	۱۱/۴

(به میلیارد تومان)

فقط طی سه سال اخیر کلان سرمایه داران به حساب خزانه دولت مبلغی حدود ۱۳ میلیارد تومان به اصطلاح سود برده اند. در چنین شرایطی، نخست وزیر در توضیح پیرامون کاهش بهاء نفت و مشکلات دولت می گوید که رژیم می تواند سالانه با ۲۰ میلیون دلار ارز هم چرخ های اقتصادی را به حرکت درآورد. از دو حال خارج نیست، یا موسوی سفسطه می کند و یا از اقتصادسدر رشته ای ندارد. آیا نخست وزیر ج.ا. نمی داند که فقط هزینه ارزی جنگ ماهانه ۲۵ میلیون دلار است؟ آیا او نمی داند که برای به حرکت درآوردن چرخ های صنایع وابسته و حداقل تغذیه ۴۴ میلیون ایرانی نیاز به ۱۰ میلیارد دلار ارز خارجی در سال است؟

گردانندگان اهرم های اقتصادی کشور از فاجعه ای که جامعه را با آن مواجه ساخته اند باخبرند. تصادفی نیست که یکی از نمایندگان مجلس می گوید: باید "مردم را عادت بدهیم به نان تره خوردن".

ادامه جنگ، خیانت به مصالح ملی

روزی نیست که سران خیانت پیشه رژیم، مسئله اولویت جنگ و یا شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" را مطرح نکنند. اکنون ششمین سال است که جنگ ادامه دارد، ولی نه تنها از پیروزی خبری نیست و نمی تواند هم باشد، بلکه مردم ایران شاهد کشتار جمعی جوانان و ویرانی شهرها و روستاها و موه سات صنعتی هستند.

در سالی که گذشت، جنگ به شهرها نیز کشانده شد. در نتیجه بمباران، ده ها شهر و

پایان موفقیت آمیز ***

روستا و از جمله تهران آسیب دیدند و تعداد زیادی ازهم میهنان ما در زیر آوارها جان باختند. تا کنون تعداد کشته شدگان و معلولین و آوارگان جنگی در کشور ما به بیش از سه میلیون نفر بالغ می‌شود. ده‌ها موزه صنعتی، یا ویران شده‌اند و یا صدمه جدی دیده‌اند. ده‌ها شهر مرزی و بالغ بر ۱۷۰۰ روستا با خاک یکسان شده‌اند. ویرانی‌های بوجود آمده در محله‌های زحمتکش نشین انتهای نظام آباد و خانی‌آباد و جاده بهشت زهرا، همچنین کوی گیشا فقط نمونه‌هایی از خرابی‌های جنگ در پایتخت کشور است. رژیم جنایتکار ج.ا. برای این که تأثیر مخرب جنگ خانناسوز را بر روحیه اهالی به اصطلاح از بین ببرد، بخش بمباران شده کوی گیشا را چنان صاف کرده که انگار سالهاست زمین پایر بوده است.

آیا می‌توان با توسل به اینگونه اعمال، فاجعه وحشتناک جنگ بی حاصل را از خاطره‌ها زدود؟ کمتر خانواده زحمتکشی را در ایران می‌توان یافت که از جنگ آسیب ندیده باشد. فاجعه جنگ از این پس نیز تا سالیان دراز دامنگیر میلیون‌ها ایرانی خواهد بود. طبق محاسبه کارشناسان، فقط برای بازسازی مجدد شهرها و روستاها و موزه‌های صنعتی از بین رفته بیش از ۲۰ سال وقت و صدها میلیارد تومان سرمایه لازم خواهد بود.

رژیم ترور و اختناق

در سالی که گذشت، گروهی دیگر از بهترین فرزندان میهن، یابه جوخه‌های اعدام سپرده شدند و یا در زیر شکنجه به قتل رسیدند. دستگیری دکران‌دیشان همچنان ادامه داشت. جلادان رژیم در فراموشخانه‌ها بیداد می‌کنند. هزاران زندانی سیاسی در سخت‌ترین شرایط، در مرز مرگ و زندگی قرار دارند و در بی‌غوله‌هایی به نام زندان، در انتظار اعدام و یا مرگ تدریجی هستند. به اعتراف رضایی فرمانده سپاه، رژیم با ایجاد سیستم رعب و وحشت بر جامعه حکومت می‌کند. تفکیک عقاید، جاسوسی و خبرچینی، به سطح سیاست دولتی ارتقاء یافته است. رژیم قرون وسطایی استبداد مذهبی "ولایت فقیه"، ایران را به زندان ایرانیان تبدیل کرده است. ابتدایی‌ترین حقوق بشر در ایران لک‌دمال می‌شود. ارگان‌های سرکوبگر رژیم، برجان و مال و ناموس مردم حکمروایی می‌کنند. از آزادی احزاب و سندیکاها و اتحادیه‌ها و قلم و بیان و... خبری نیست. رژیم جنایت پیشه ج.ا. فرهنگ و آداب و سنن و هنر ایرانی را از بین برده است. حتی روزنامه‌های مجاز دولتی تحت سانسور قرار دارند.

۲۵ آبان ۶۴ روزنامه کیهان نوشت: "زیانبارترین نتیجه استبداد با انتقاد و جلوگیری از آن، گرایش به استبداد و خودکامی است... اما آنچه که تراژدی استبداد را خشن‌تر و غم‌انگیزتر می‌نماید، این است که استبداد، در

پوشش دین و تمسک به آن انجام پذیرد. در آن هنگام که "زور" به "تزویر" متشبث شود و "چهاریت" لباس "دیانت" بیوشد با تیغی برنده‌تر زبان می‌برد و عواقب زبانباری را در پی دارد. دادگاه‌های تفکیک‌شده عقاید یا "انگیزاسیون" که ما بین قرن دوازدهم و شانزدهم میلادی به فرحان پاپ و تحت نظر کشیشان تشکیل شد و هزاران نفر از روشنفکران و آزادیخواهان را شکنجه و به قتل رساند، نمایانگر این مطلب است که "استبداد دینی" تا چه اندازه خطرناک و خشن و تا چه میزان عواقب و آثار سوئی در بردارد".

چنین رژیمی هم اکنون بر میهن بلا کشیده‌ما مسلط است. ارگان‌های سرکوبگر و دادگاه‌های تفکیک عقاید به نام "دادگاه‌های شرع"، به فرحان خمینی و تحت نظر معممین حاکم ده‌ها هزار کافر و دهقان و روشنفکر و آزادیخواه را شکنجه می‌کنند و یا به قتل می‌رسانند. مردم ستم‌دیده‌ما امروز، یعنی در پایان سده بیستم، شاهد جنایت‌هایی هستند که نظایر آنها را در قرن‌های دوازدهم تا شانزدهم میلادی، پاپ و کشیشان مرتکب می‌شدند. مردم ما بنابه تجربه شخصی خود، به ماهیت استبداد مذهبی "ولایت فقیه" هرچه بیشتر پی می‌برند.

به خاک و خون کشیدن اعتصاب‌های کارگری و تظاهرات ضد جنگ و اعتراض‌های دهقانی جلوه دیگری از استبداد مذهبی قرون وسطایی رژیم "ولایت فقیه" است.

قساوت رژیم در صدور احکام، جنبه دیگری از سببیت رژیم را نشان می‌دهند. چندی پیش مقتدائی عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی ضمن گزارش پیرامون اجرای "قانون قصاص" که ننگی است بر دامن جامعه ما، از جمله گفت که طی ۱۱ ماه از ۴۲۵ فقره پرونده سرقت، شش فقره قطع ید به اجراء آمده است. برای یک فقره "لواط" حکم اعدام صادر شده و در مورد دو فقره "زنا محصنه" حکم "رجم" یعنی سنگسار کردن داده شده است. افزون بر این ۲۹ فقره قصاص به طریق آویختن به چوبه‌دار و ۲۸ فقره قصاص به طریق اعدام به مورد اجرا گذارده شده است.

قساوت رژیم حد و حصری ندارد. هیئت حاکمه که باید علل زاینده فساد را در جامعه از بین ببرد، به بریدن دست و گوش و سنگسار کردن و اعدام متوسل می‌شود. رژیمی که خود عامل فساد و گسترش فقر و بدبختی در جامعه است، چگونه می‌تواند با فساد مبارزه کند؟

شریعتی رئیس دادگاه‌های کیفری تهران به ناچار اعتراف می‌کند که "به جرات می‌توان گفت ۹۰ درصد جرائم ناشی از فقر و بی سرپرستی قشری از جامعه می‌باشد". صدیقی رئیس کل دادگستری تهران ضمن توضیح پیرامون مسائل "مفکرات و فحشاء و سرقت و اشاعه بیش از حد آنها" می‌گوید: "اکثر این مسائل مربوط به طبقه پائین جامعه است که هم فقر فرهنگی دارند و هم فقر اقتصادی و مساله فقر آنقدر حاد است که یکی از قضات در محاکمه فردی به من گفت، این

فرد چوب فقرش را می‌خورد زیرا آنهایی که پولدارند، وسائل ارضاء نیز بهر شکل برای خودشان فراهم می‌کنند".

هردوی این آقایان فقط گوشه‌ای از واقعیت را می‌گویند. آری، فقری که دامنگیر جامعه است، در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. طبق آمار رسمی ۴۰ درصد نیروی فعال کشور یا بیکار آشکارند، یا بیکار پنهان و یا اینکه چند روزی از ماه را کار می‌کنند. مقصر کیست؟ چرا پس از گذشت هفت سال از انقلاب، مردم ایران گرفتار چنین مصائبی هستند؟ پاسخ روشن است. سران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست عمیقاً ضد خلقی موجب این وضع اسفبار در جامعه ما شده‌اند. به همین دلیل این رژیم محکوم به زوال است. مواردی که برشمرده شد، مشت نمونه خروار است و زمینه‌های دیگری نیز وجود دارد که درباره آنها به کرامت‌ساختن گفته ایم و از این پس نیز خواهیم گفت.

چه باید کرد

تضادهای گوناگون، رژیم ج.ا. را از درون مانند خوره می‌خورد. تضاد عمده در جامعه ما عبارت است از تضاد میان نیاز جامعه به پیشرفت اقتصادی، اجتماعی-سیاسی و فرهنگی و روبنای بازدارنده آن، که در سیمای رژیم قرون وسطائی "ولایت فقیه" خود را نشان می‌دهد. استقرار نظام خودکامه "ولایت فقیه" به مثابه بدترین شکل استبداد مذهبی، مسئله دمکراتیزه کردن نظام اجتماعی-سیاسی را به یکی از مسائل حاد در جامعه تبدیل کرده است.

بالاخره تضاد میان منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان (یعنی پایگاه داخلی امپریالیسم) با منافع کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری پیش شرط‌های عینی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جنبش انقلابی را در کشور ما فراهم آورده است. در این میان آنچه که مانع شکل‌گیری جنبش‌توده‌ای علیه رژیم به قصد سرنگون کردن آن می‌شود، فقدان عامل ذهنی است.

در این که در شرایط کنونی مشخص - تاریخی کشور، سرنگون کردن رژیم فقط با شرکت و وسیع توده‌های خلق امکان‌پذیر است، جای کوچکترین تردیدی نیست. تشکل و تجهیز توده‌ها بدون وجود جبهه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک، ممکن نیست. درست به همین سبب است که حزب توده ایران مبارزه در راه تشکیل جبهه متحد خلق را مطرح و در راه آن مبارزه می‌کند.

با کمال تأسف باید گفت، رسالی که گذشت نیروهای انقلابی و دمکراتیک قادر نشدند بر پیشداوری‌ها و خود محوربینی‌های خود چیره شوند و در راه اتحاد و گردائی در جبهه واحد و با برنامه مشترک پیش بروند.

با در نظر گرفتن این واقعیت بود که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بیانیه مشترکی را که در آن برنامه جبهه متحد خلق ارائه شده در معرض قضاوت همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک قرار دادند. تردیدی نیست که وحدت عمل نیروهای چپ و انقلابی به مثابه بقیه در ص ۷

پایان موفقیت آمیز ***

بقیه از ص ۱

به نظر ما، مبارزه مستمر اتحاد شوروی در راه تامین صلح و امنیت عمومی در کانون توجه جهانیان قرار دارد. هسته مرکزی برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را کیفیت مناسبات با کشورهای سرمایه داری، مبارزه در راه صلح پایدار و خلع سلاح و همزیستی مسالمت آمیز تشکیل می دهد. در برنامه گفته می شود که همزیستی مسالمت آمیز میان دولت های دارای نظام اجتماعی گوناگون، تنها به معنای شعله ور نکشتن آتش جنگ ها نیست، بلکه به مثابه بوجود آمدن چنان نظام بین المللی است که در آن نه جنگ، بلکه حسن همجواری، همکاری، تبادل گسترده دستاوردهای علمی و فنی و فرهنگی به سود همه خلق ها سیادت داشته باشد.

پیشنهاد های اتحاد شوروی درباره نجات بشریت از فاجعه جنگ هسته ای الهام بخش میلیون ها انسان است که در سراسر جهان به مبارزه خود در راه صلح ادامه می دهند. مسئله صلح برای مردم میهن ما نیز که اثرات مخرب

ناپذیر روند انقلاب جهانی است. در برنامه همچنین راه رشد غیر سرمایه داری، راه ستگیری سوسیالیستی به مثابه پدیده دارای اهمیت تاریخی به قصد قطع راه رشد سرمایه داری ارزیابی می شود.

برای ما توده ای ها آن بخش از برنامه که در آن گفته می شود، حزب کمونیست اتحاد شوروی بخش جدائی ناپذیر جنبش بین المللی کمونیستی است، اهمیت فراوانی دارد. زیرا در برنامه، وظایف رشد مستمر جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی بدرستی نه فقط یک مسئله داخلی، بلکه در عین حال به مثابه مهمترین وظیفه انترناسیونالیستی به سود مجموعه سیستم جهانی سوسیالیسم، طبقه کارگر جهانی و همه بشریت، ارزیابی می شود.

هیچ حزبی در جنبش جهانی کمونیستی سیاست دیگر احزاب را ردیکته نمی کند. همه احزاب را سیاست خود را بر مبنای شرایط کشورهای خود تنظیم می کنند و به مورد اجرا می گذارند. این اصول که در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی بار دیگر تصریح شده، مشت محکمی است بر دهان یاوه گویانی که "وابستگی" احزاب

برای ما توده ای ها آن بخش از برنامه که در آن گفته می شود، حزب کمونیست اتحاد شوروی بخش جدائی ناپذیر جنبش بین المللی کمونیستی است، اهمیت فراوانی دارد. زیرا در برنامه، وظایف رشد مستمر جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی بدرستی نه فقط یک مسئله داخلی، بلکه در عین حال به مثابه مهمترین وظیفه انترناسیونالیستی به سود مجموعه سیستم جهانی سوسیالیسم، طبقه کارگر جهانی و همه بشریت، ارزیابی می شود.

جنگ را با گوشت و پوست خود حس می کنند، حائز اهمیت فراوانی است.

ما بخوبی می دانیم که مردم شوروی صادقانه در راه صلح مبارزه می کنند. برآستی از مردمی که در جنگ دوم جهانی ۲۰ میلیون قربانی داده اند جز این هم نباید انتظاری داشت.

برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی مصوب کنگره بیست و هفتم، بدرستی خاطر نشان می سازد که تضاد تاریخی میان دو سیستم سوسیالیسم و سرمایه داری نه از طریق جنگ، بلکه باید از طریق مسابقه صلح آمیز حل و فصل گردد و بروز جنگ جهانی امر ناگزیر و محتوم نیست.

برنامه حزب نشان می دهد که سوسیالیسم می تواند در مقایسه با نظام سرمایه داری سطح زندگی عالی تر و زندگی معنوی غنی برای انسان ها تامین کند. رشد پویای اقتصادی و اجتماعی، گسترش هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی ضامن این نظر است. این شیوه برخورد به مسائل حیاتی زندگی بشر، بیانگر سرشت انسان دوستانه سوسیالیسم است. در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان شده است که مبارزه ضد امپریالیستی کشورهای رشد یافته که در راه استقلال اقتصادی پیکار می کنند، بخش جدائی

کمونیست به "کرم لین" را مطرح می سازند. اصول بنیادین حاکم بر مناسبات برابر حقوق احزاب کمونیست که در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی بر روی آن تکیه شده، در واقع پاسخ دندان شکنی به مشت و ازدگان سیاسی است که هم صدا به عمال امپریالیسم به دوره گردی و انتشار اراجیف ضد کمونیستی می پردازند.

برکسی پوشیده نیست که دولت های امپریالیستی فعالیت خرابکارانه خود را علیه سوسیالیسم و کمونیسم و نیز جنبش های ضد امپریالیستی و راهی بخش و نهضت توده ای مبارزه در راه صلح دقیقاً سازمان می دهند. هدف آنها ایجاد اختلاف میان احزاب کمونیست از سوئی و درون هر حزبی از سوی دیگر است. حزب ما سالیان درازی است که در معرض این گونه تبلیغات سوء قرار دارد. تصادفی نیست که لبه تیز حمله دشمنان طبقاتی ما متوجه خصلت انترناسیونالیستی حزب ما است. در این ارتباط برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، اهمیت حیاتی انترناسیونالیسم پرولتری را مطرح می سازد که مضمون و محتوی آن عبارت است از پیوند جدایی ناپذیر همبستگی انقلابی و شناخت استقلال کامل و برابر حقوق هر حزب است.

چنین است پاسخ انسانی که چپ و راست درباره "وابستگی" حزب توده ایران رجز خوانی می کنند. ما توده ای ها به بهره گیری از گنجینه تجربه های حزب کبیر لنین اهمیت فوق العاده ای می دهیم. ما علیه هرگونه تظاهر شوروی ستیزی برخورداریم خواست. ما دفاع از سوسیالیسم واقعا موجود را وظیفه انترناسیونالیستی خود دانسته و می دانیم.

تحقق برنامه های عظیم افزایش قدرت خرید، گسترش برنامه های اجتماعی، افزایش سریع کمی و کیفی تولید، بهبود خدمات و... بدون تردید به ارتقاء هر چه بیشتر سطح زندگی در اتحاد شوروی منجر خواهد شد. این در حالی است که در کشورهای سرمایه داری میلیون ها انسان با پدیده هایی چون بیکاری، تورم، "فقر جدید" دست به گریبان هستند و با نگرانی به آینده می نگرند.

ما اعتقاد راسخ داریم که برنامه های مصوب کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی با موفقیت به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

نگاهی به رویدادهای ***

بقیه از ص ۶

هسته مرکزی این جبهه می توانست و می تواند در تحقق این هدف نقش تعیین کننده داشته باشد.

متأسفانه در سالی که گذشت، نیروهای چپ انقلابی نه تنها موضع اتحاد و یا وحدت عمل را اتخاذ نکردند، بلکه با انتشار انواع نوشته ها در ایجاد شکاف و جدائی بیشتر کوشیدند.

به نظر ما مدت هاست وقت آن فرارسیده که نیروهای انقلابی و دمکراتیک در وهله نخست نیروهای چپ، به سیاست نفاق و تفرقه که خواست دشمنان جنبش انقلابی کشور است پایان دهند و هر چه زودتر گام در راه ایجاد جبهه متحد بردارند. تاریخ این مسئولیت بزرگ را به عهده ما گذارده است. اگر ما نتوانیم به این رسالت تاریخی عمل کنیم، در برابر خلق و در برابر طبقه کارگر و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا مقصر خواهیم بود.

بپایند سال ۶۵ را به سال تفاهم، همبستگی، اتحاد و مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک تبدیل کنیم. ما باید موارد تفرقه را که موجود است و نمی توان آنها را انکار کرد کنار گذارده و روی موارد مشترک به تفاهم برسیم. همه ما، بدون استثناء در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح مبارزه می کنیم. این است آن عوامل عمده و اصلی که ما را به یکدیگر پیوند می دهد، بقیه مسائل فرعی هستند و چه بسا در پشت میز مذاکره حل و فصل کردند.

برای سرنگون کردن رژیم نکتت بار جمهوری اسلامی فقط یک راه وجود دارد: اتحاد. اتحاد، یعنی پیروزی، تفرقه یعنی شکست.

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

نگاهی به رویدادهای جهان صدها میلیون دلار کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه

دولت ریگان سال هاست که با نظارت و همکاری همه جانبه "سیا"، باند ضد انقلابی سوموزا را از نظر مالی و نظامی تامین می کند. همزمان با انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، ریگان از کنگره خواست تا تقاضای جدید او را مبنی بر کمک نظامی صد میلیون دلاری به باند ضد انقلابی سوموزا رسماً به تصویب برساند. این تقاضا با تردید و مخالفت دمکرات ها در کنگره و همچنین کمیسیون دفتر نمایندگان آمریکا روبرو شد. پیش از این، پشتیبانی مادی از ضد انقلابیون نیکاراگوئه از طریق سازمان "سیا" انجام می شد. این سازمان در فاصله سال های ۸۴ - ۱۹۸۱، ۸۴ میلیون دلار در اختیار ضد انقلابیون سوموزا قرار داد. در بهار ۱۹۸۵ نیز، "سیا" با تصویب کنگره آمریکا تحت پوشش "کمک بشر دوستانه" و "کمک غذایی"، ۲۷ میلیون دلار به باند تروریست های سوموزا واگذار کرد و آنها را به موشک های پیشرفته زمین به هوا مجهز ساخت. ضد انقلابیون با استفاده از این سلاح ها و دیگر امکان هایی که ایالات متحده در اختیار آنها قرار داده است تاکنون بیش از ۱۲ هزار نفر از مردم بیگناه نیکاراگوئه را به قتل رسانده اند.

در کنفرانسی که اخیراً در واشنگتن برگزار شد جرج شولتز، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، استقرار "دمکراسی" در نیکاراگوئه را تنها از طریق کمک همه جانبه آمریکا به باند سوموزا ممکن دانست. همچنین اخیراً ریگان به نمایندگان "جمعیت یهودیان" با لحن ناشایستی اظهار داشت: "دولت ساندنیست راه را برای همه تروریست های کوبائی، بلغاری، لیبیایی، فلسطینی، و حتی "سازمان پدر" و "بریکارد سرخ" باز کرده است. این جنایتکاران دیوانه هم اکنون پشت دروازه های ایالات متحده کمین کرده اند. ریگان به عنوان نماینده ارتجاعی ترین جناح جنگ طلبانه ایالات متحده همواره سعی می کند که سیاست تروریستی این جناح را تحت پوشش "مبارزه با تروریسم" و "استقرار دمکراسی" ارائه دهد.

اما واقعیت این است که دولت آمریکا علیرغم آنکه چنین امکان های وسیعی را در اختیار مزدوران سوموزا قرار داد، ضد انقلابیون موفق نشدند که حتی یک وجب از خاک نیکاراگوئه را به تصرف خود درآورند. دولت انقلابی نیکاراگوئه با تشکیل نیروهای مقاومت در سال ۱۹۸۵ تلفات سنگینی به ضد انقلابیون تحت رهبری سوموزا وارد آورد. با این حال، ایالات متحده همچنان به توطئه های خود علیه خلق نیکاراگوئه ادامه می دهد. پنتاگون که از ۲ سال پیش طرح تجاوز گسترده به خاک نیکاراگوئه در لحظه مناسب را آماده کرده است، همچنان کوشش خود را برای تحمیل جنگ فرسایشی و گسترده به حکومت انقلابی نیکاراگوئه دنبال می کند.

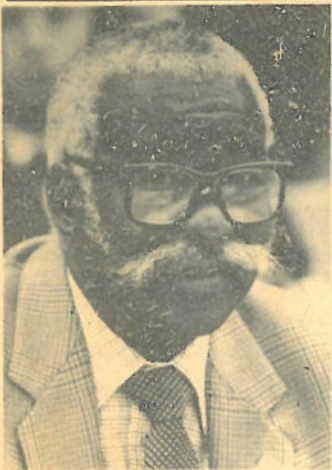
رفیق موزس موبهید درگذشت

رفیق موزس موبهید، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، بیکارگر بزرگ راه آزادی، صلح و سوسیالیسم در سن ۶۲ سالگی در مپوتوی موزامبیک چشم از جهان فرو بست. یار مرگ رفیق موبهید، جنبش آزادی بخش آفریقای جنوبی یکی از برجسته ترین رهبران سیاسی خود را از دست داد.

رفیق موبهید، یکی از اعضای هیات اجراییه "کنگره ملی آفریقای جنوبی" و "کنگره اتحادیه های آفریقای جنوبی" نیز بود.

درگذشت رفیق موبهید، اندوه و تاسف ژرف همه کمونیست ها و احزاب و نیروهای ترقی خواه و صلح دوست و آزادی خواه جهان را برانگیخت. بدین مناسبت کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام تسلیتی برای کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی ارسال داشت.

درد و بر خاطره تابناک رفیق موزس موبهید!



پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی

رفقای عزیز،

با نهایت تأسف از خبر درگذشت رفیق موزس موبهید، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، آگاه شدیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران این ضایعه بزرگ را به حزب شما و همه کمونیست ها و میهن دوستان آفریقای جنوبی تسلیت می گوید.

ما رفیق موزس موبهید را به عنوان کمونیستی برجسته می شناسیم که بیوسته و فداکارانه در راه بهروزی خلق خود مبارزه کرد و در رهبری بیکار انقلابی برای سرنگون ساختن رژیم آپارتاید و استقرار نظامی دمکراتیک و بری از تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، نقشی برجسته

به عهده داشت. رفیق موزس موبهید همچنین انترناسیونالیستی بی گیر بود، که همواره در راه تحکیم همبستگی بین المللی خلق ها کوشش می ورزید.

حزب توده ایران خود را در این ضایعه اندوهبار شریک می داند و با بهره گیری از این فرصت بار دیگر همبستگی خویش را با مبارزه حزب شما علیه نژادپرستی و استثمار امپریالیستی و برای دستیابی به صلح، دمکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم ابراز می دارد.

با درودهای کمونیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفند ماه ۱۳۶۴

مبارزه برای اتحاد همه نیروها و احزاب ملی، مترقی و دمواتیک در هر کشور؛
مشارکت فعال در تقویت فعالیت و رزم مشترک احزاب کمونیستی و کارگری و ترقی خواه در منطقه و همبستگی با مبارزه دیگر احزاب برادر.

ماه مارس ۱۹۸۶ (اسفند ماه ۱۳۶۴)

اعلامیه مشترک

بقیه از ص ۱

سرنگونی رژیم های دیکتاتوری و استقرار رژیم های دمکراتیک برپایه خواست و اراده آزادانه مردم هر کشور و برنامه جنبش نیروهای ملی و ترقی خواه؛

شرکت فعالانه در مبارزه خلق کرد برای احقاق حقوق ملی در چارچوب رژیم های دمکراتیک در هر کشور، متناسب با برنامه هر یک از نیروهای امضاء کننده این بیانیه مشترک؛

حمایت از مبارزه خلق های عرب در راه آزادسازی مناطق اشغالی؛

پشتیبانی فعال از افغانستان، نیکاراگوئه، کامبوج و آنگولا؛

دفاع از مبارزه خلق های آفریقای جنوبی، شیلی، السالوادور و دیگر خلق هایی که در راه رهایی ملی مبارزه می کنند؛

حمایت از ابتکارهای صلح اتحاد شوروی مندرج در اعلامیه مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ که بیش از همه شامل نابودی تدریجی سلاح های هسته ای تا سال ۲۰۰۰ می شود و همچنین شرکت فعال در مبارزه علیه خطر جنگ و بخاطر حفظ صلح و زندگی در جهان؛

دفتر شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

شماره ۲۰۲ سال ۱۳۶۴،
بزودی منتشر می شود

کمکهای مالی رسیده؛

ر. کاظم ۵۰ مارک
به یاد مادر از لس آنجلس ۵۰۰ دلار
ر-م از لندن ۱۰ پوند

NAMEH
MARDOM
No: 94

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

20 March 1986